



درسنامه جرایم
علیه اشخاص (قتل)

احمد حاجی ده آبادی
استاد دانشگاه تهران

سرشناسه:	؟؟؟
عنوان و پدیدآور:	؟؟؟
مشخصات نشر:	؟؟؟
مشخصات ظاهری:	؟؟؟
شابک:	؟؟؟
وضعیت فهرست نویسی:	؟؟؟
یادداشت:	
یادداشت:	؟؟؟
موضوع:	؟؟؟
رده بندی کنگره:	؟؟؟
رده بندی دیویی:	؟؟؟

درسنامه جرایم علیه اشخاص (قتل)

نویسنده: احمد حاجی ده آبادی
ناشر: بنیاد حقوقی میزان
شمارگان: ؟؟؟ نسخه
شابک: ؟؟؟

کلیه حقوق محفوظ است

مراکز بخش:

شهر: آدرس ؟؟؟
تلفن: ؟؟؟
نشانی الکترونیک: ؟؟؟
پایگاه اینترنت: ؟؟؟

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
درس نخست: قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی	۱۷
۱. تعریف قتل	۱۸
۲. اقسام قتل	۱۹
۲-۱. اقسام قتل در فقه و قوانین جزایی	۲۰
۲-۲. هشت نکته درباره اقسام قتل	۲۰
۲-۳. اقسام قتل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲	۲۴
۳. مرگ طبیعی (حادثه)، خودکشی و قتل	۲۷
درس دوم: رکن مادی جرم قتل (موضوع و رفتار مجرمانه)	۲۹
۱. موضوع (انسان)	۳۱
۲. رفتار مجرمانه (عمل کشنده در قالب فعل مادی)	۳۱
۳. رفتار مجرمانه (عمل کشنده در قالب فعل غیرمادی)	۳۲
۴. رفتار مجرمانه (عمل کشنده در قالب ترک فعل)	۳۴
۴-۱. تبیین محل بحث	۳۴
۴-۲. شروط قاتل به شمار رفتن تارک فعل از منظر قانون	۳۶
۴-۲-۱. وجود وظیفه قانونی یا قراردادی مبنی بر انجام فعل	۳۶
۴-۲-۲. وجود رابطه سببیت	۳۶
۴-۲-۳. توانایی تارک بر انجام فعل	۳۶
۴-۳. نقدی بر ماده ۲۹۵ (لزوم «باعث مرگ شدن» و عدم کفایت «مانع مرگ نشدن»)	۳۷
درس سوم: رکن مادی جرم قتل (شرایط)	۳۹
۱. زنده بودن	۳۹
۱-۱. احکام جنایت بر مرده	۴۰
۱-۲. مبدأ حیات	۴۰
۱-۲-۱. تعریف جرم سقط جنین	۴۰

۶ ■ درسنامه جرایم علیه اشخاص (قتل)

۴۱	۱-۲-۲. قانونگذاری جرم سقط جنین.....
۴۲	۲. محقون الدم بودن.....
۴۲	۲-۱. تبیین مستند قانونی این شرط.....
۴۴	۲-۲. انواع مهدور الدم.....
۴۴	۲-۲-۱. مهدور الدم مطلق.....
۴۴	۲-۲-۲. مهدور الدم نسبی.....
۴۴	الف) قاتل نسبت به اولیای دم و مأذون از سوی ایشان.....
۴۶	ب) زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه.....
۴۸	۳. مغایرت (دوگانگی) قاتل و مقتول.....
۴۸	۳-۱. خودکشی.....
۵۰	۳-۲. خودزنی و ایراد صدمه به خویش.....
۵۱	۳-۳. لزوم تفکیک خودکشی از قتل.....
۵۱	۳-۴. مرگ شیرین (اتانازی).....
۵۳	درس چهارم: رکن مادی جرم قتل (نتیجه، سببیت و استناد)
۵۴	۱. نتیجه (مرگ).....
۵۴	۱-۱. مرگ قلبی.....
۵۵	۱-۲. مرگ مغزی.....
۵۵	۱-۲-۱. مرگ مغزی در فقه.....
۵۶	۱-۲-۲. مرگ مغزی در حقوق.....
۵۷	۲. سببیت (علیت) و استناد.....
۵۷	۲-۱. وجود رابطه سببیت میان رفتار و نتیجه.....
۵۹	۲-۲. استناد قتل به رفتار مرتکب.....
۵۹	۲-۲-۱. تفکیک رابطه سببیت از استناد.....
۶۰	۲-۲-۲. تفاوت های سببیت و استناد.....
۶۱	۲-۲-۳. مشکل بودن احراز استناد.....
۶۲	۲-۲-۴. عوامل سازنده استناد.....
۶۴	۲-۲-۵. فاصله زمانی میان رفتار مجرمانه و مرگ.....
۶۵	درس پنجم: رکن معنوی قتل عمد (سوء نیت عام)
۶۷	۱. عمد در فعل و قصد وقوع آن بر مقتول.....
۶۸	۲. علم به موضوع.....
۶۸	۲-۱. علم به انسان بودن.....
۶۸	۲-۲. علم به زنده بودن.....

۶۸	۲-۳. علم به محقون الدم بودن
۶۹	۲-۳-۱. مستند قانونی «علم به محقون الدم بودن»
۷۰	۲-۳-۲. عدم تأثیر اشتباه حکمی

درس ششم: رکن معنوی قتل عمد (سوء نیت خاص) ۷۵

۷۶	۱. قصد صریح (تبیین بند الف و ت ماده ۲۹۰)
۷۶	۱-۱. وقوع قتل عمد با عمل به ندرت کشنده به شرط وجود قصد صریح
۷۷	۱-۲. تبیین واژه «جنایت نظیر»
۷۷	۱-۳. توضیح در مورد بند ت ماده ۲۹۰
۷۸	۲. قصد ضمنی (تبیین بند ب و پ ماده ۲۹۰)
۷۹	۲-۱. عمل نوعاً کشنده مطلق (تبیین بند ب ماده ۲۹۰)
۷۹	۲-۱-۱. عمد در عمل نوعاً کشنده مطلق و قصد وقوع آن بر مقتول
۸۰	۲-۱-۲. دشواری تشخیص عمل نوعاً کشنده و وجود اختلاف در این باره
۸۱	۲-۱-۳. علم به نوعاً کشنده بودن عمل
۸۳	۲-۱-۴. اصل وجود علم به نوعاً کشنده بودن
۸۴	۲-۱-۵. شبه عمد بودن قتل با عمل نوعاً کشنده، در فرض عدم آگاهی به نوعاً کشنده بودن
۸۴	۲-۲. عمل نوعاً کشنده نسبی (تبیین بند پ ماده ۲۹۰)
۸۵	۲-۲-۱. عمد در عمل نوعاً کشنده نسبی و قصد وقوع آن بر مقتول
۸۵	۲-۲-۲. علم به «وضعیت» و «نوعاً کشنده بودن کار نسبت به مجنی علیه»
۸۶	۲-۲-۳. تفاوت عمل نوعاً کشنده مطلق و نسبی در زمینه علم
۸۶	۲-۲-۴. اهمیت ظاهری و تفاوت بند ب و پ
۸۷	۳. تقارن میان رکن مادی و رکن معنوی
۸۷	۳-۱. عدم تقارن (ابتدا رکن مادی و سپس رکن معنوی)
۸۸	۳-۲. عدم تقارن (ابتدا رکن معنوی و سپس رکن مادی)

درس هفتم: قتل شبه عمد و خطای محض؛ رکن معنوی و مصادیق ۹۱

۹۲	۱. رکن معنوی قتل شبه عمد
۹۲	۱-۱. عمد در فعل و قصد وقوع آن بر مقتول و عدم قصد قتل
۹۳	۱-۲. عدم لزوم تقصیر و وقوع شبه عمد با فعل مجاز
۹۳	۱-۳. مصادیق جنایت شبه عمد
۹۳	۱-۳-۱. قصد فعل بدون قصد نتیجه (بند الف ماده ۲۹۱)
۹۴	۱-۳-۲. جنایت همراه با اشتباه در موضوع (بند ب ماده ۲۹۱)
۹۴	۱-۳-۳. جنایت همراه با تقصیر (بند پ ماده ۲۹۱)
۹۴	الف) تعریف تقصیر

۹۶	ب) وجود رابطه سببیت و استناد میان تقصیر و نتیجه
۹۷	۲. رکن معنوی قتل خطای محض
۹۸	۲-۱. قتل در حال خواب و بیهوشی (بند الف ماده ۲۹۲)
۹۹	۲-۲. قتل در حال صغر و جنون (بند ب ماده ۲۹۲)
۱۰۰	۲-۳. نداشتن قصد فعل و قصد قتل (بند پ ماده ۲۹۲)
۱۰۳	درس هشتم: مجازات انواع قتل
۱۰۴	۱. قتل عمد
۱۰۴	۱-۱. مجازات اصلی
۱۰۴	۱-۱-۱. جنبه حق الناسی
۱۰۵	الف) قتل عمد واجد شرایط قصاص
۱۰۷	ب) قتل عمد فاقد شرایط قصاص
۱۰۸	۱-۱-۲. جنبه عمومی
۱۰۹	۱-۲. مجازات تکمیلی
۱۱۰	۱-۳. مجازات تبعی
۱۱۱	۲. قتل شبه عمد
۱۱۱	۲-۱. مجازات اصلی
۱۱۱	۲-۱-۱. جنبه حق الناسی
۱۱۱	۲-۱-۲. جنبه عمومی
۱۱۱	۲-۲. مجازات تکمیلی
۱۱۲	۲-۳. مجازات تبعی
۱۱۲	۳. قتل خطای محض
۱۱۲	۳-۱. جنبه حق الناسی
۱۱۲	۳-۲. جنبه عمومی
۱۱۵	درس نهم: شرکت در قتل
۱۱۶	۱. دخالت کنندگان در جرم
۱۲۰	۲. تعریف و تبیین شرکت در قتل
۱۲۲	۳. پرونده‌هایی از شرکت در قتل
۱۲۷	۴. انواع شرکت در قتل
۱۲۷	۵. مجازات شرکت در قتل عمد
۱۲۸	۵-۱. دامنہ اختیارات ولی دم
۱۲۹	۵-۲. محاسبه فاضل دیه

۶. مجازات شرکت در قتل عمد فاقد شرایط قصاص، شبه‌عمد و خطای محض ۱۳۳

درس دهم: معاونت در قتل و شروع به آن ۱۳۵

۱. معاونت در قتل ۱۳۶
 - ۱-۱. مباحث موضوعی ۱۳۷
 - ۱-۱-۱. وقوع یا عدم وقوع معاونت در قتل شبه‌عمد و خطای محض ۱۳۷
 - ۱-۱-۲. وقوع یا عدم وقوع معاونت در قتل عمد در بند ب و پ ماده ۲۹۰ ۱۳۸
 - ۱-۱-۳. موارد عدم وحدت قصد مباشر و معاون قتل و حکم آنها ۱۳۸
 - ۱-۲. مجازات معاونت در قتل عمد ۱۳۹
 - ۱-۲-۱. قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن معاونت در قتل عمد ۱۳۹
 - ۱-۲-۲. مجازات دوگانه معاونت در قتل عمد ۱۴۰
 - ۱-۲-۳. ممسک، ناظر و مکره ۱۴۰
۲. شروع به قتل ۱۴۱
 - ۲-۱. شرایط شروع به جرم و چگونگی تشخیص آن ۱۴۲
 - ۲-۱-۱. شرایط شروع به جرم ۱۴۲
 - ۲-۱-۲. ضوابط تمیز عملیات مقدماتی از عملیات اجرایی ۱۴۳
 - ۲-۲. جرم محال و جرم عقیم ۱۴۴
 - ۲-۳. مباحث موضوعی شروع به قتل ۱۴۵
 - ۲-۴. مجازات شروع به قتل عمد ۱۴۶

درس یازدهم: مباشرت و تسبیب ۱۴۹

۱. تعریف مباشرت و تسبیب و ضابطه تشخیص این دو ۱۵۰
 - ۱-۱. تعریف مباشرت و تسبیب در فقه ۱۵۰
 - ۱-۲. تعریف مباشرت و تسبیب در قانون ۱۵۱
 - ۱-۳. ارائه ضابطه برای تشخیص سبب از مباشر ۱۵۲
۲. آثار مباشرت و تسبیب و ارزیابی آنها ۱۵۲
 - ۲-۱. ضمان مباشر مطلقاً و ضمان سبب تنها در فرض تقصیر ۱۵۳
 - ۲-۲. وقوع خطای محض با مباشرت و عدم وقوع آن با تسبیب ۱۵۴
 - ۲-۳. اصل ضمان مباشر در فرض اجتماع سبب و مباشر ۱۵۵
۳. صور مباشرت و تسبیب ۱۵۶
 - ۳-۱. مباشرت تنها ۱۵۶
 - ۳-۲. تسبیب تنها ۱۵۷
 - ۳-۳. اجتماع مباشرت و تسبیب ۱۵۷
- ۳-۳-۱. استناد جنایت تنها به مباشر ۱۵۸

۱۵۸	۳-۳-۲. استناد جنایت تنها به سبب
۱۵۸	۳-۳-۳. استناد جنایت به هردو و تأثیر متفاوت
۱۵۹	۳-۳-۴. استناد جنایت به هر دو، تأثیر یکسان یا معلوم نبودن میزان تأثیر
۱۶۰	۳-۴. اجتماع اسباب
۱۶۱	۳-۴-۱. اجتماع عرضی اسباب
۱۶۲	۳-۴-۲. اجتماع طولی اسباب
۱۶۲	الف) اجتماع طولی اسباب مقصر
۱۶۲	ب) اجتماع طولی اسباب و تنها برخی مقصر
۱۶۲	ج) اجتماع طولی اسباب با قصد ارتکاب جنایت
۱۶۵	درس دوازدهم: قتل و موانع مسئولیت کیفری (صغر، جنون، خواب و مستی)
۱۶۶	۱. صغر
۱۶۶	۱-۱. اقدامات تأمینی درباره اطفال قاتل
۱۶۷	۱-۲. ارتکاب عمل کشنده در حال صغر و وقوع جنایت در حال بلوغ
۱۶۸	۲. جنون
۱۶۸	۲-۱. اقدام تأمینی درباره دیوانه قاتل
۱۶۸	۲-۲. عدم سقوط قصاص با عروض جنون پس از ارتکاب جنایت
۱۶۹	۲-۳. ارتکاب عمل کشنده در حال جنون و وقوع مرگ در حال عقل
۱۷۰	۲-۴. اختلال روانی کمتر از جنون
۱۷۰	۳. خواب و بیهوشی
۱۷۰	۴. مستی
۱۷۱	۴-۱. شیوه نگارش صدر ماده ۳۰۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و مبنای آن
۱۷۲	۴-۲. تفاوت ماده ۲۲۴ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و ماده ۳۰۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲
۱۷۳	۴-۳. عدم شمول ماده ۳۰۷ نسبت به مستی غیر مجرمانه
۱۷۳	۴-۴. تعزیر قتل در حال مستی؛ صحیح یا نادرست و میزان آن؟
۱۷۴	۴-۵. عدم نیاز به ماده ۳۰۷ با وجود ماده ۱۵۴
۱۷۵	۴-۶. برخی نکات کاربردی در مورد پرونده‌های قتل در حال مستی
۱۷۷	درس سیزدهم: قتل و موانع مسئولیت کیفری (اجبار و اکراه)
۱۷۷	۱. اجبار
۱۷۸	۱-۱. اجبار مادی خارجی
۱۷۹	۱-۲. اجبار معنوی خارجی
۱۷۹	۱-۳. اجبار مادی داخلی

۱۸۰	۱-۴. اجبار معنوی داخلی.....
۱۸۰	۲. اکراه.....
۱۸۲	۲-۱. اکراه بر قتل ثالث با وعید به کمتر از قتل.....
۱۸۲	۲-۲. اکراه بر قتل ثالث با وعید به قتل.....
۱۸۲	۲-۲-۱. اکراه‌شونده بالغ عاقل.....
۱۸۳	۲-۲-۲. اکراه‌شونده صغیر غیرممیز یا مجنون.....
۱۸۳	۲-۲-۳. اکراه‌شونده صغیر ممیز.....
۱۸۴	۲-۳. برخی نکات.....
۱۸۴	۲-۳-۱. حدی‌بودن مجازات حبس ابد.....
۱۸۵	۲-۳-۲. حق الناسی‌بودن مجازات حبس ابد.....
۱۸۵	۲-۳-۳. منوط‌بودن حبس ابد به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده.....
۱۸۷	درس چهاردهم: قتل و موانع مسئولیت کیفری (اضطرار و اشتباه).....
۱۸۸	۱. اضطرار.....
۱۸۸	۱-۱. ادله پذیرش اضطرار به جنایت.....
۱۸۹	۱-۲. ادله عدم پذیرش اضطرار به جنایت.....
۱۸۹	۱-۳. جمع‌بندی نهایی.....
۱۹۱	۲. اشتباه.....
۱۹۲	۲-۱. اشتباه در هدف.....
۱۹۲	۲-۱-۱. اشتباه در هدف در فقه.....
۱۹۳	۲-۱-۲. اشتباه در هدف در حقوق.....
۱۹۳	الف) اشتباه در هدف پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.....
۱۹۴	ب) اشتباه در هدف در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.....
۱۹۵	۲-۲. اشتباه در هویت.....
۱۹۶	۲-۲-۱. اشتباه در هویت در فقه.....
۱۹۶	۲-۲-۲. اشتباه در هویت در حقوق.....
۱۹۸	۲-۲-۳. برخی نکات.....
۲۰۱	درس پانزدهم: نظام‌های حاکم بر ادله اثبات و ادله اثبات قتل (اقرار).....
۲۰۲	۱. مفهوم و ویژگی‌های دلیل.....
۲۰۳	۲. نظام‌های حاکم بر ادله اثبات؛ تعریف و تفاوت‌ها.....
۲۰۳	۲-۱. تعریف نظام ادله قانونی و نظام ادله معنوی.....
۲۰۴	۲-۲. تفاوت‌های نظام ادله قانونی و نظام ادله معنوی.....
۲۰۴	۲-۲-۱. ارزش‌گذاری ادله به‌وسیله قانون یا قاضی (مقام تعیین ارزش ادله).....

۱۲ ■ درسنامه جرایم علیه اشخاص (قتل)

۲۰۵	۲-۲-۲. هدف؛ فصل خصومت یا کشف حقیقت
۲۰۵	۲-۲-۳. موضوعیت یا طریقت ادله
۲۰۶	۲-۲-۴. ارزش اقرار
۲۰۶	۲-۲-۵. حصر یا عدم حصر ادله
۲۰۷	۳. نظام ادله اثبات دعوی کیفری در حقوق کیفری ایران
۲۰۹	۴. اقرار
۲۰۹	۴-۱. تعریف اقرار
۲۱۰	۴-۲. نکات اقرار
۲۱۰	۴-۲-۱. نصاب اقرار
۲۱۰	۴-۲-۲. شرایط اقرار کننده
۲۱۱	۴-۲-۳. شرایط اقرار
۲۱۱	۴-۲-۴. انکار پس از اقرار
۲۱۲	۴-۲-۵. تعارض دو یا چند اقرار
۲۱۳	۴-۲-۶. مکان اقرار
۲۱۳	۴-۲-۷. امکان تجزیه اقرار مقید

درس شانزدهم: ادله اثبات قتل (شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی)..... ۲۱۵

۲۱۶	۱. شهادت
۲۱۶	۱-۱. تعریف شهادت
۲۱۷	۱-۲. نکات شهادت
۲۱۷	۱-۲-۱. نصاب شاهد
۲۱۸	۱-۲-۲. شرایط شاهد
۲۱۸	۱-۲-۳. شرایط شهادت
۲۱۹	۱-۲-۴. تعارض دو شهادت
۲۲۰	۱-۲-۵. تعارض شهادت با اقرار
۲۲۰	۱-۲-۶. شهادت بر شهادت
۲۲۱	۲. قسامه
۲۲۲	۲-۱. تعریف قسامه
۲۲۳	۲-۲. ویژگی های قسامه
۲۲۶	۲-۳. مراحل اقامه قسامه
۲۲۷	۲-۳-۱. فقدان لوث
۲۲۷	۲-۳-۲. وجود لوث
۲۲۸	۳. سوگند
۲۲۸	۴. علم قاضی

۲۲۹	۴-۱. تعریف علم قاضی
۲۲۹	۴-۲. علم نوعی نه علم شخصی
۲۳۰	۴-۳. ترجیح علم قاضی بر سایر ادله

درس هفدهم: قصاص..... ۲۳۱

۲۳۲	۱. تعریف قصاص
۲۳۲	۲. شرایط قاتل
۲۳۳	۲-۱. بلوغ
۲۳۴	۲-۲. عقل
۲۳۴	۲-۳. درک ماهیت عمل ارتكابی و حرمت آن و وجود رشد
۲۳۵	۲-۴. پدر مقتول نبودن
۲۳۷	۳. شرایط مقتول
۲۳۷	۳-۱. محقون الدم بودن
۲۳۸	۳-۲. عاقل بودن
۲۳۹	۳-۳. برابری مقتول با قاتل در دین یا بهتر بودن وضعیت او نسبت به قاتل

درس هجدهم: دیه..... ۲۴۱

۲۴۲	۱. تعریف دیه
۲۴۲	۲. ماهیت دیه
۲۴۳	۳. مهلت پرداخت دیه
۲۴۳	۴. مسئول پرداخت دیه
۲۴۳	۴-۱. قاتل و جانی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی
۲۴۴	۴-۲. عاقله
۲۴۴	۴-۲-۱. افراد عاقله
۲۴۵	۴-۲-۲. موارد پرداخت دیه توسط عاقله
۲۴۶	۴-۲-۳. ضمان عاقله؛ حکم تکلیفی یا وضعی؟
۲۴۷	۴-۳. بیت المال
۲۴۸	۴-۳-۱. موارد پرداخت دیه از بیت المال
۲۴۸	الف) وقوع جنایت در اثر رفتار غیر عمدی و بدون تقصیر کارگزاران حکومتی
۲۴۸	ب) پرداخت دیه جانی یا فاضل دیه او یا سهم دیگر صاحبان قصاص
۲۴۸	ج) بیت المال در کنار جانی
۲۴۹	د) بیت المال به جایگزینی جانی
۲۵۰	۴-۳-۲. موارد عدم پرداخت دیه از بیت المال

درس نوزدهم: ولی دم ۲۵۳

۱. تعریف ولی دم ۲۵۳
۲. انواع ولی دم ۲۵۵
- ۲-۱. نداشتن ولی دم یا شناخته نشدن او یا عدم دسترسی به او ۲۵۶
- ۲-۲. ولی دم واحد ۲۵۶
- ۲-۲-۱. بالغ عاقل ۲۵۶
- ۲-۲-۲. نابالغ یا دیوانه ۲۵۶
- ۲-۳. ولی دم متعدد ۲۵۷
- ۲-۴. «وارث؛ کافر» و «مقتول؛ مسلمان» ۲۵۸

درس بیستم: تداخل و تعدد جنایات ۲۵۹

۱. صور بحث و احکام آن ۲۶۲
- ۱-۱. یک ضربه و ایجاد یک جرح و مرگ ۲۶۲
- ۱-۲. یک ضربه و ایجاد جنایات متعدد و همگی باعث مرگ ۲۶۲
- ۱-۳. یک ضربه و ایجاد جنایات متعدد و برخی باعث مرگ و برخی باعث جرح ۲۶۳
- ۱-۴. چند ضربه، برخی باعث جرح و برخی باعث مرگ ۲۶۳
- ۱-۵. چند ضربه و مرگ بر اثر مجموع ضربات ۲۶۴
۲. تداخل؛ الزامی یا اختیاری؟ ۲۶۶

منابع ۲۶۹

- الف) فارسی ۲۶۹
- ب) عربی ۲۷۲

مقدمه

بر پیامبر رحمت حضرت محمد ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ صلوات می‌فرستم و خدا را بر نعمت‌هایی که ارزانی داشته است، سپاس می‌گویم و سر بر آستانش می‌سایم و اقرار می‌کنم که لایق هیچ‌یک از نعمت‌های بی‌شمارش نبوده و نیستم؛ به‌خصوص نعمت تعلیم و نگارش.

کتاب جرایم علیه اشخاص، پاییز ۱۳۹۶ به چاپ رسید و مورد استقبال جامعه حقوقی قرار گرفت و تاکنون سه نوبت تجدید چاپ شده است. این کتاب برای تدریس در دوره کارشناسی، مناسب نیست؛ زیرا حجم مطالب کتاب زیاد و فاقد برخی مباحثی است که در دوره کارشناسی احیاناً لازم می‌باشد؛ مانند ادله اثبات قتل، ولی دم، پرداخت‌کننده دیه و تداخل و عدم تداخل قصاص و دیه؛ براین اساس نویسنده بر آن شد کتاب جرایم علیه اشخاص را تلخیص و به‌همراه مطالب مورد نیاز به شکل درسنامه منتشر کند. مشغله و وسواس علمی سبب شد کار به تأخیر بیفتد، اما سرانجام با عنایت حضرت حق (عزوجل) کار به سامان رسید.

در اینجا توضیح چند نکته ضروری است:

۱. این کتاب صرفاً تلخیص کتاب جرایم علیه اشخاص نیست و مطالبی - حدود سی درصد - بدان افزوده شده است.

۲. در بخش‌های تلخیص شده نیز تغییرات بسیاری صورت گرفته که آن را از حالت تلخیص صرف خارج ساخته است.

۳. مطالب در بیست درس تنظیم شده است. به طبع باتوجه به دو واحدی بودن درس حقوق جزای اختصاصی ۳ دوره کارشناسی حقوق، در شانزده جلسه این دروس را نمی‌توان تدریس کرد؛ لذا انتخاب دروس بر عهده استاد درس خواهد بود و مابقی بخش‌ها می‌بایست توسط خود دانشجویان مطالعه شود.

۴. در شروع هر درس، رئوس مطالب درس به همراه برخی پرسش‌های مرتبط آمده است تا ذهن دانشجو آماده شود. گاهی به تناسب، پرونده‌ای مطرح شده است. در پایان هر درس نیز

پرسش‌هایی مطرح شده که انتظار می‌رود دانشجویان بتوانند برخی پرسش‌ها را پاسخ یا پرونده را تحلیل کنند. مهم این است دانشجویان درباره پاسخ پرسش‌ها با یکدیگر مباحثه کنند تا استنباط حقوقی‌شان افزایش یابد.

۵. برخی ملاحظات سبب شد مطالب به اختصار آورده شود. همچنین ذیل برخی موضوعات می‌توانستیم منابعی را معرفی کنیم تا احیاناً خواننده مشتاق با مراجعه به آنها ابهاماتش را برطرف نماید.

۶. مجموعه مقالات اینجانب و نیز معرفی کتاب‌های راقم این سطور در وبگاه شخصی اینجانب به آدرس «hajidehabadi.ir» قابل دسترسی است.

۷. در پایان از آنجاکه همیشه در انتظار دریافت انتقادات و پیشنهادهای خوانندگان محترم کتاب‌ها و مقالاتم هستم، از مخاطبان گرانقدر - اعم از اساتید، دانشجویان، قضات، وکلا و... - تقاضا دارم نظرات خود را به آدرس رایانامه اینجانب «adehabadi@ut.ac.ir» ارسال بفرمایند.

میبد، ده‌آباد، محله پایین

احمد حاجی‌ده‌آبادی

شنبه ۱۴۰۱/۴/۴ مصادف با ۲۵ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ ق (روز دحوالأرض)

قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی

رئوس مطالب:

۱. تعریف قتل؛

۲. انواع قتل در فقه و قوانین جزایی؛

۳. انواع قتل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛

۴. قتل، خودکشی و حادثه (مرگ قضا و قدری).

تعریف دقیق و صحیح قتل چیست؟ انواع آن کدام است؟ اگر کسی به قصد قتل، یک سیلی آرام به دیگری بزند و او در اثر سیلی خوردن بمیرد؛ مرتکب چه قتلی شده است؟ اگر کسی بدون اینکه قصد قتل داشته باشد با میله آهنی به سر دیگری بزند و او بمیرد، مرتکب چه قتلی شده است؟ اگر کسی در مراسم چهارشنبه‌سوری، جلوی پای کسی ترقه‌ای را منفجر کند و او از ترس بمیرد، آیا مرتکب قتل شده است؟ چه نوع قتلی؟ اگر کسی اسب دیگری را بدزدد و او از غصه بمیرد، سارق، قاتل است؟ شخصی تفنگ را به سمت دیگری نشانه می‌گیرد و می‌گوید: می‌زنم. طرف مقابل می‌گوید: اگر جرئت داری، بزن! و آن شخص به گمان اینکه اسلحه از فشنگ خالی است، شلیک می‌کند و دوستش کشته می‌شود. او مرتکب چه قتلی شده است؟ اگر کارگردانی در حال تهیه برنامه دوربین مخفی، به قصد شوخی اسباب‌بازی به شکل مار را به سمت دیگری بیندازد و او بمیرد، این اتفاق را حادثه می‌دانید یا قتل؟ چه نوع قتلی؟

در هر پدیده مجرمانه، از چهار موضوع سخن گفته می‌شود: «جرم یا بزه»، «مجرم یا بزه‌کار»، «معنای علیه یا به تعبیر جامع‌تر، بزه‌دیده» و «عکس‌العمل دولت در برابر جرم» که ممکن است در قالب مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تجلی یابد. حقوق جزای عمومی بی‌آنکه از جرم یا مجرم خاص یا بزه‌دیده‌ای معین و عکس‌العمل مشخصی بحث کند، قواعد حاکم بر این چهار موضوع را بررسی می‌کند، اما حقوق جزای اختصاصی به بررسی مصادیق این چهار موضوع می‌پردازد. به تعبیر دیگر حقوق جزای اختصاصی به تعریف جرایم و ارکان تشکیل‌دهنده آنها و حدود و میزان مسئولیت کیفری مرتکبان آنها و واکنش قانونی در برابر هریک از جرایم می‌پردازد.

موضوع کتاب حاضر، بخشی از جرایم علیه اشخاص است. این‌گونه جرایم را به دو دسته «جرایم علیه تمامیت جسمانی» و «جرایم علیه تمامیت معنوی» می‌توان تقسیم کرد. گروه نخست که موضوع این کتاب است، شامل «قتل»، «ضرب و جرح»، «قطع عضو»، «سلب منافع»، «سقوط جنین» و «خودکشی» می‌شود. به غیر از خودکشی، بقیه این جرایم اشتراکات فراوانی به خصوص در عناصر تشکیل‌دهنده دارند و در صورتی که یکی از این جرایم به خوبی تحلیل و فهم شود، تحلیل و بررسی جرایم دیگر به راحتی امکان‌پذیر است. بحث را در قتل متمرکز می‌کنیم.

۱. تعریف قتل

۱. تعریف قتل در کتاب‌های حقوقی: در بیشتر نوشته‌های فقهی و حقوقی، تعریفی از قتل دیده نمی‌شود اما قتل عمد تعریف شده است. پروفیسور گارو، حقوقدان فرانسوی می‌نویسد: «قتل عمدی، سلب ارادی حیات از شخص زنده به وسیله شخص دیگر است، بدون مجوز قانونی».^۱ این تعریف با تغییراتی به وسیله برخی حقوقدانان پذیرفته شده است: «سلب ارادی حیات انسان زنده به وسیله انسان دیگری به طرق پیش‌بینی‌شده در قانون»؛^۲ بنابراین به سلب حیات از حیوانات و به سلب حیات از خویش (خودکشی)، قتل گفته نمی‌شود. افزون‌براین به کسی که با مجوز قانونی مثل دفاع مشروع دیگری را می‌کشد، قاتل عمد و بر عمل او قتل عمد صدق نمی‌کند.

۱. به نقل از: ابراهیم پاد؛ حقوق کیفری اختصاصی؛ ص ۲۹.

۲. امیرخان سپهوند؛ جرایم علیه اشخاص؛ ص ۳۰. نیز ر.ک: محمدهادی صادقی؛ جرایم علیه اشخاص؛ ص ۵۰.

درس نخست: قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی ■ ۱۹

باتوجه به تعریف قتل عمد، می‌توان خود قتل را به «سلب حیات از انسانی دیگر» تعریف کرد که اگر کلمه ارادی را اضافه کنیم (سلب ارادی)، قتل عمد را و اگر کلمه غیرارادی را بیفزاییم (سلب غیرارادی)، قتل غیرعمد را تعریف کرده‌ایم.

۲. اشکالات تعریف فوق: تعریف فوق اشکالاتی دارد. نخست، اینکه قید «زنده» زاید است؛ وقتی گفته می‌شود سلب حیات از انسان، طبیعتاً آن انسان باید زنده باشد تا بتوان حیات او را سلب کرد. دوم، اینکه نیازی به عبارت «بدون مجوز قانونی» نیست؛ زیرا بحث در جرم قتل است و گرنه باید در همه جرایم این قید باید آورده شود؛^۱ مثلاً در تعریف سرقت گفته شود: «ربودن مال دیگری بدون مجوز قانونی». سومین و مهم‌ترین اشکال اینست که اگر قتل یا قتل عمد و غیرعمد به سلب حیات از دیگری تعریف شود، جرمی مطلق می‌شود؛ زیرا ورای سلب حیات، نتیجه دیگری نیست، درحالی‌که قتل جزء جرایم مقید است که تحقق آنها منوط به ایجاد نتیجه مد نظر قانونگذار است.

۳. تعریف صحیح قتل: به نظر می‌رسد تعریف صحیح قتل اینست: انجام رفتاری اعم از فعل و ترک فعل (عمل کشنده) که منجر به سلب حیات انسان مستقل دیگری می‌شود؛ بنابراین سلب حیات، رفتار مجرمانه قتل نیست بلکه نتیجه آنست. افزودن کلمه «مستقل» هم برای آن است که تعریف قتل شامل سقط جنین نشود.

۴. بیان ضابطه عمد موجب قصاص در فقه و نه تعریف قتل عمد: فقها قتل عمد را تعریف نکرده بلکه ضابطه قتل عمد موجب قصاص را بیان کرده‌اند؛ یعنی آنچه باعث می‌شود بتوان کسی را قصاص نفس کرد: «إِذَا هَاقَ النَّفْسُ الْمَعْصُومَةُ الْمَكَافَّةَ عَمْدًا عَدَوَانًا» خارج کردن عمدی و عدوانی جان محترم و برابر». این عبارت، تعریف قتل عمد نیست و به همین دلیل این ضابطه بر کار عاقلی که دیوانه‌ای را عمداً به قتل می‌رساند، صادق نیست و او قصاص نمی‌شود، گرچه مرتکب قتل عمد شده است.

۲. اقسام قتل

جرم قتل در بیشتر نظام‌های حقوقی اقسامی دارد و مبنای تقسیم در اکثر موارد، عنصر معنوی یعنی اراده و خطاست. در حقوق کیفری، رفتار مجرمانه غالباً وقتی جرم است که ارادی باشد،

۱. امیرخان سپهوند؛ جرایم علیه اشخاص؛ ص ۳۰.

وگرنه جرم موردنظر محقق نشده است؛ ازاین‌رو تعداد جرایم غیرعمدی در مقایسه با جرایم عمدی بسیار کم است. اکثر جرایم به‌لحاظ عنصر معنوی یک قسم بیشتر ندارند. کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، زنا، شرب خمر و... فقط در فرض عمدبودن جرم‌اند. باوجوداین چون حیات انسان از اهمیت فراوانی برخوردار است هم تعرض عمدی و هم تعرض غیرعمدی به حیات دیگری جرم است، البته با مجازات متفاوت.

۲-۱. اقسام قتل در فقه و قوانین جزایی

در فقه، قتل بر اساس عنصر معنوی به سه قسم «عمد»، «شبه‌عمد» و «خطای محض» تقسیم می‌شود. قتل در صورتی عمد است که قاتل دو قصد داشته است: قصد فعل و قصد قتل؛ مانند آنکه به قصد کشتن دیگری به سمت او حمله کند و با چاقو سینه و قلب وی را بشکافد و او را به قتل برساند. قتل در صورتی شبه‌عمد است که قاتل قصد فعل دارد، ولی قصد قتل ندارد؛ مثلاً بدون اینکه قصد کشتن دیگری را داشته باشد، به صورت وی سیلی بزند و او کشته شود. قتل در صورتی خطای محض است که قاتل هیچ‌یک از دو قصد را ندارد، نه قصد فعل و نه قصد قتل؛ مثلاً تیری را به سمت حیوانی شلیک کند، ولی تیر او به انسانی برخورد کند و سبب کشتن وی گردد. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ قتل را به دو قسم عمد و غیرعمد تقسیم کرده بود (مواد ۱۷۰، ۱۷۱ و ۱۷۷). قوانین جزایی پس از انقلاب به تبع فقه، قتل را بر سه قسم «عمد»، «شبه‌عمد» و «خطای محض» می‌دانند. ماده ۱ قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و ماده ۲ قانون دیات ۱۳۶۱ قابل اشاره است. ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «قتل نفس بر سه نوع است: عمد، شبه‌عمد، خطا».

۲-۲. هشت نکته درباره اقسام قتل

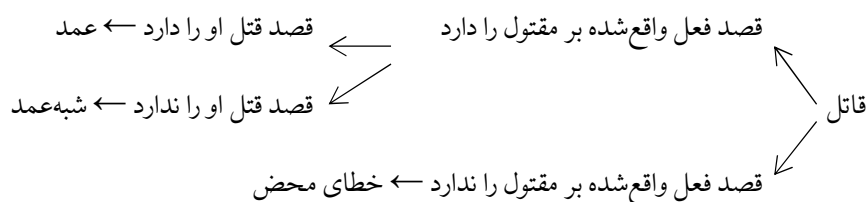
۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تقسیم سه گانه مذکور را پذیرفته است، گرچه تفاوت‌هایی میان فقه و قانون در این باره هست که در ادامه مباحث روشن می‌شود.
۲. می‌توان تقسیم پیش‌گفته را بدین شکل مطرح کرد که قتل بر دو قسم «عمد» و «غیرعمد» یا «خطا» است و غیرعمد خود بر دو قسم «شبه‌عمد» و «خطای محض» است؛ بنابراین واژه قتل غیرعمد در ماده ۶۱۶ ق.م.ا. ۱۳۷۵ (تعزیرات و بازدارنده)، شامل هر دو قسم شبه‌عمد و

درس نخست: قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی ■ ۲۱

خطای محض است و به همین دلیل قانونگذار در انتهای ماده ۶۱۶، قتل خطای محض را استثنا می‌کند. همچنین واژه جنایت خطایی در ماده ۷۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲، شامل شبه‌عمد و خطای محض است.

۳. مقصود از «فعل»، فعل واقع شده بر مجنی علیه است؛ بنابراین اشکال نشود که در قتل خطای محض گفته می‌شود که قاتل قصد فعل ندارد، درحالی که در مثالی که زده شد، او قصد تیراندازی به حیوان را دارد. پاسخ اینکه هرچند او قصد تیراندازی به حیوان را دارد، قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه یعنی تیرزدن و مجروح کردن او را ندارد. براین اساس بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ درباره جنایت خطای محض مقرر می‌دارد: «جنایتی که در آن مرتکب، نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را» و بر اساس بند الف ماده ۲۹۱ نخستین مورد جنایت شبه‌عمد آن است که «هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد».

به تعبیر دیگر در قتل عمد و شبه‌عمد، هم فعل اختیاری است و قاتل خواب، مست و بیهوش نبوده و هم قصد وقوع آن فعل را بر طرف مقابل داشته است. در قتل خطای محض، فعل صورت گرفته با اراده و اختیار بوده، اما قاتل قصد وقوع آن را بر طرف مقابل نداشته است. در نتیجه می‌توان تقسیم سه‌گانه قتل را به شکل ذیل مطرح کرد:



بنابراین هرگاه قاتل، قصد فعل واقع شده بر مقتول را داشته باشد، قتل او یا عمد است (اگر قصد قتل داشته باشد) یا شبه‌عمد است (اگر قصد قتل نداشته باشد). اگر قاتل قصد فعل واقع شده بر مقتول را نداشته باشد و طبعاً قصد قتل او را هم ندارد، قتل خطای محض است.

از بیان مذکور روشن می‌شود نیازی نیست در ضابطه خطای محض، گفته شود «نه قصد فعل و نه قصد قتل» و می‌توان به «نه قصد فعل» اکتفا کرد؛ زیرا وقتی قاتل، قصد فعل واقع شده بر مقتول را ندارد، به طریق اولی قصد قتل او را نیز ندارد.

پرسش: به نظر شما آیا پاسخ استفتای ذیل صحیح است؟

سؤال: شخصی تفنگ را به طرف دیگری نشانه گرفت و گفت می‌زنم. گفت اگر جرئت داری، بزن و آن شخص به گمان اینکه اسلحه از فشنگ خالی است، شلیک کرده است. حکم مسئله را بیان فرمایید.
جواب: اگر یقین داشته اسلحه خالی است و احتمال هم نمی‌داده وجود فشنگ را، قتل عمد نیست، بلکه شبه‌عمد هم نیست، بلکه خطای محض است.^۱

۴. از قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض، گاهی به اسامی دیگری تعبیر می‌شود. از قتل عمد، به عمد محض و از قتل خطای محض به قتل خطا (بدون قید محض)^۲ یاد می‌شود؛ بنابراین واژه قتل خطا، هرگاه بدون هیچ‌گونه قیدی آورده شود، غالباً مقصود قتل خطای محض است.
از قتل شبه‌عمد، به شبه‌عمد، خطای شبه‌عمد، شبه خطا، خطأ العمد و نیز عمد الخطأ تعبیر شده است. این نوع قتل ازسویی (داشتن قصد فعل) شبه‌عمد است و ازسوی دیگر (نبود قصد قتل) شبه‌خطای محض است.

هنگامی که گفته می‌شود «شبه‌عمد»، درواقع این واژه صفتی برای موصوف مقدر (خطا) است و مقصود «خطای شبه‌عمد» است. همچنان‌که وقتی گفته می‌شود شبه خطا؛ یعنی عمد شبه خطا. گاهی به شکل مختصر گفته می‌شود «شبه‌عمد» (مثل ماده ۲۹۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲) و گاه عبارت به‌طور کامل آورده می‌شود (مثل بند ب ماده ۲۹۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ که مقرر می‌داشت: «قتل یا جرح یا نقص عضو که به‌طور خطای شبه‌عمد واقع می‌شود...»).

۵. در ضابطه قتل شبه‌عمد گفته شد قاتل قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه را دارد، ولی قصد قتل او را ندارد. مقصود از این فعل، فعلی است که نوعاً سبب قتل نمی‌شود، وگرنه اگر قاتل بی‌آنکه قصد قتل داشته باشد، کاری انجام دهد که نوعاً سبب قتل می‌شود، مثل اینکه با آهن به سر دیگری بکوبد، قتل شبه‌عمد نبوده، بلکه عمد است. البته استثنایی در اینجا هست: اگر کسی کار نوعاً کشنده‌ای انجام دهد، ولی نسبت به کشنده‌بودن آن آگاه و متوجه نباشد، دراین صورت قتل عمد نبوده و شبه‌عمد است.

۱. محمدعلی اراکی؛ استفتانات؛ ص ۲۳۵. البته مطابق بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این مورد که همراه با تقصیر است، شبه‌عمد می‌باشد.

۲. در ماده ۷۱۸ از سقط جنین خطای محضی بدون قید «محض» نامبرده شده است.

۳. قید غالباً بدین جهت است که گاه واژه «خطا» بدون قید در معنای غیرعمد که شامل شبه‌عمد و خطای محض است، به کار می‌رود؛ مانند ماده ۷۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲.

درس نخست: قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی ■ ۲۳

۶. گرچه قتل به سه قسم عمد، شبه‌عمد و خطای محض تقسیم شده است، ولی این تقسیم به لحاظ آن است که قتل نوعی جنایت است و جنایت به سه قسم تقسیم می‌شود. مقصود از جنایات در اینجا اعمال زیانباری است که علیه جسم یا جان خود یا دیگری رخ می‌دهد.^۱ بنابراین سقط جنین، قطع عضو و سلب منافع نیز بر سه قسم است. با دانستن اقسام قتل، می‌توان به راحتی اقسام دیگر جنایات را دانست؛ مثلاً قطع عضو در صورتی عمدی است که جانی قصد فعل به همراه قصد قطع داشته باشد و در صورتی شبه‌عمدی است که او قصد فعل دارد - مثل کشیدن گوش دیگری - ولی قصد قطع ندارد و در صورتی خطای محض است که جانی نه قصد فعل دارد، نه قصد قطع عضو.

بر اساس مطالب پیش گفته:

جنایت عمدی = قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه + قصد نتیجه واقع شده
جنایت شبه‌عمدی = قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه بدون قصد نتیجه واقع شده
جنایت خطای محض = نه قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه، نه قصد نتیجه واقع شده

۷. تقسیم قتل بر حسب عنصر معنوی به سه قسم «عمد»، «شبه‌عمد» و «خطای محض» گویای این معناست که قتل قسم چهارمی ندارد؛ زیرا قاتل یا هردو قصد (فعل و قتل) را دارد، یا قصد فعل را دارد، بی آنکه قصد قتل داشته باشد، یا اینکه هیچ‌یک از فعل و قتل را قصد نکرده است.

بنابراین اینکه برای قتل، اقسام دیگری همچون «در حکم شبه‌عمد» و «در حکم خطای محض» ذکر شده، بر اساس عنصر معنوی نیست، بلکه بر اساس مجازات است. به عبارت دیگر «قتل در حکم شبه‌عمد» مثلاً در واقع یکی از دو قسم عمد یا خطای محض می‌باشد، ولی به لحاظ مجازات، در حکم شبه‌عمد به شمار رفته است؛ نه مانند قتل عمد قصاص دارد و نه مانند خطای محض، دیه بر عهده عاقله است.

۸. احکام انواع قتل در آینده به طور مبسوط مطرح خواهد شد، ولی به طور اجمال باید دانست مجازات قتل عمد در صورت وجود شرایط قصاص، قصاص است. البته ولی دم و قاتل می‌توانند بر

۱. به همین دلیل قصاص و دیه فقط در مورد جنایات معنا دارد. ماده ۱۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است» و مطابق مطابق ماده ۱۷: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود».

۲۴ ■ درسنامه جرایم علیه اشخاص (قتل)

پرداخت دیه مصالحه کنند. مگر در موردی که قصاص منوط به ردّ فاضل دیه باشد که در این صورت ولیّ دم می‌تواند با پرداخت فاضل دیه، قاتل را قصاص کند یا قاتل را بر پرداخت دیه مقتول - و به تعبیر صحیح‌تر، بر پرداخت سهم او در جنایت ارتکاب‌یافته - اجبار نماید.

در صورت فقدان شرایط قصاص، دیه لازم است که بر عهده قاتل می‌باشد و باید ظرف یک سال قمری از تاریخ وقوع قتل آن را بپردازد (مواد ۳۸۱ و ۴۶۲ و بند الف ماده ۴۸۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲). البته در تمامی موارد قتل عمد، در صورتی که به هر دلیل قاتل قصاص نشود، به تعزیر محکوم خواهد شد (حبس از سه تا ده سال موضوع ماده ۶۱۲ ق.م.ا. ۱۳۷۵).

قتل شبه‌عمد مستلزم پرداخت دیه است و در صورتی که ناشی از تقصیر باشد، قاتل به تعزیر نیز محکوم می‌شود (حبس از سه ماه تا سه سال موضوع ماده ۶۱۶ ق.م.ا. ۱۳۷۵). این دیه بر عهده قاتل است که باید ظرف دو سال قمری از تاریخ وقوع قتل یعنی در دو قسط بپردازد (ماده ۴۶۲، بند ب ماده ۴۸۸ و ماده ۴۸۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲).

قتل خطای محض مستلزم پرداخت دیه است که در مواردی بر عهده عاقله (در صورت اثبات جنایت با یتّه یا قسامه یا علم قاضی) و در مواردی بر عهده قاتل (در فرض اثبات جنایت با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه) است (ماده ۴۶۳). مهلت پرداخت این دیه ظرف سه سال قمری از تاریخ وقوع قتل است؛ یعنی دیه باید در سه قسط پرداخت گردد. در قتل خطای محض، قاتل تعزیر نمی‌شود.

۲.۳. اقسام قتل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تبع فقه، تقسیم مذکور را همراه با تغییراتی آورده است. این قانون برعکس قوانین قبلی که غالباً به تقسیم قتل می‌پرداختند به تقسیم جنایت پرداخته است. ماده ۲۸۹ مقرر می‌دارد: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض است». ماده ۲۹۰ درباره جنایت عمدی است، ولی بند الف این ماده در واقع مهم‌ترین مورد از موارد جنایت عمدی است:

ماده ۲۹۰. جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف) هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

بنابراین در مورد قتل که مصداقی از جنایت است، اگر قاتل با انجام کاری (قصد فعل) قصد

درس نخست: قتل؛ تعریف، اقسام و تفاوت آن با مرگ طبیعی و خودکشی ■ ۲۵

ایراد جنایت (قصد قتل) داشته باشد، قتل صورت گرفته عمد است. اگر قاتل قصد قتل ندارد، ولی کاری را که انجام داده است، نوعاً کشنده مطلق (بند ب) یا نوعاً کشنده نسبی (بند پ) باشد، قتل عمد می‌باشد؛ به شرط آنکه قاتل از کشنده بودن کارش و وضعیت نامتعارف مجنی علیه اطلاع داشته باشد:

ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ) هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

بند ت نیز مصداقی از بند الف است:

ت) هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود؛ مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.

برای جنایت شبه‌عمد در ماده ۲۹۱ سه مورد آمده است: بند الف این ماده در واقع مهم‌ترین مورد جنایت شبه‌عمدی (قصد فعل بدون قصد قتل) را بیان کرده است:

ماده ۲۹۱. جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود:

الف) هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

مورد دوم شبه‌عمد آن است که قاتل قصد فعل و گاهی قصد قتل دارد، ولی جهل به موضوع دارد:

ب) هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد؛ مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

ماده ۳۰۲ در مورد افراد مهدورالدم است که کشتن ایشان قصاص و دیه ندارد؛ مانند قاتل نسبت به ولی دم. اگر کسی دیگری را بکشد، به زعم اینکه قاتل پدرش بوده و بعد معلوم شود اشتباه کرده است، چنین قتلی شبه‌عمد محسوب می‌شود. این مورد از نظر فقهی شبه‌عمد نیست و عمد محسوب می‌گردد؛ زیرا قاتل قصد فعل و قصد قتل دارد، اما مجازات قصاص ندارد.

مورد سوم شبه‌عمد آن است که قاتل نه قصد فعل دارد و نه قصد قتل، ولی به سبب تقصیر او قتل رخ داده است؛ همچون قتل در تصادفات رانندگی، یا قتل بر اثر سقوط گلدانی که در لبه بالکن گذاشته شده است، بی‌آنکه گلدان با تسمه آهنی و مانند آن در جای خود محکم قرار داده شده باشد:

پ) هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

بند پ نیز واقعاً شبه‌عمد نیست؛ زیرا ضابطه فقهی شبه‌عمد آن است که قاتل قصد فعل واقع شده بر مقتول را داشته باشد. این مورد به خطای محض بیشتر شباهت دارد، اما قانونگذار به علت تقصیر آن را شبه‌عمد محسوب کرده است تا دیه بر عهده عاقله نباشد.

ماده ۲۹۲، سه مورد را به عنوان موارد جنایت خطای محض آورده است که آنچه در صفحات پیشین درباره ضابطه خطای محض گفته شد، در سومین بند این ماده یعنی بند پ آمده است. قتل در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها (بند الف) و نیز قتلی که به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد (بند ب)، خطای محض محسوب می‌شود:

ماده ۲۹۲. جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف) در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب) به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ) جنایتی که در آن مرتکب، نه قصد جنایت بر مبنای علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را؛ مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

بند الف و ب در واقع خطای محض نیستند، بلکه در حکم خطای محض اند؛ زیرا اولاً، در خطای محض گرچه قاتل قصد فعل و قصد قتل ندارد، ولی فعلی که مقدمه جنایت بوده، ارادی است؛ چنان‌که بند پ مقرر می‌دارد: «... مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند»، اما در قتل در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها اصلاً فعل ارادی از مرتکب سر نزده است.

ثانیاً، عمد از صغیر ممیز و برخی دیوانه‌ها سر می‌زند. پسری چهارده سال دارد و در آستانه ورود به پانزده سالگی است و به دلیل مزاحمتی که جوانی برای خواهرش ایجاد کرده، او را می‌کشد. او هم قصد فعل داشته و هم قصد قتل، ولی قتل او به منزله خطای محض است؛ یعنی آثار خطای محض (نبودن قصاص و وجود دیه بر عاقله) بر آن مترتب می‌باشد. قانونگذار واژه به منزله را نیاورده است و گویا واقعاً خطای محض می‌داند. همچنین این پسر اگر با بچه‌ای دعوا کند و به صورتش سیلی بزند و او را بگشاید، از نظر فقهی مرتکب قتل شبه‌عمد شده، ولی قتلش به منزله خطای محض است، اما از نظر قانون گویا واقعاً خطای محض می‌باشد.

۳. مرگ طبیعی (حادثه)، خودکشی و قتل

مرگ هر شخصی ممکن است به یکی از سه حالت «حادثه» (مرگ قضا و قدری و طبیعی)، «خودکشی» و «قتل» باشد. قدم نخست آن است که تشخیص دهیم میت به مرگ طبیعی و حادثه مرده یا خودکشی کرده یا کشته شده است. اگر ثابت شد به قتل رسیده است، باید نوع قتل را مشخص کرد. تشخیص این سه در مواردی بسیار مشکل است.

توضیح اینکه اگر مرگ مستند به دیگری باشد، قتل است و اگر مستند به خودش باشد، خودکشی و اگر مستند به خودش یا دیگری نباشد - مثلاً مستند به عوامل طبیعی مانند زلزله و... باشد - حادثه و به تعبیر دیگر مرگ قضا و قدری است. هیچ کس و هیچ نهادی در خودکشی و مرگ قضا و قدری مسئولیت ندارد؛ حتی بیت المال نیز ضامن نیست. بیت المال فقط در قتل ضامن است؛ یعنی مواردی که کسی به وسیله دیگری کشته شده باشد (ماده ۴۸۷). بنابراین اگر کسی در بیابانی با حمله گله سگ‌های ولگرد کشته شود یا در چاهی که در بیابان یا در روستاهای متروکه حفر شده است، بیفتد و بمیرد، بیت المال در قبال او ضامن نیست.

اشاره شد که اگر مرگ کسی مستند به دیگری باشد، او قاتل است و مرتکب قتل شده است، ولی باید دانست به طور کلی برای قاتل به شمار رفتن شخصی دو امر لازم است؛ نخست، اینکه کار او باید سبب مرگ دیگری باشد؛ دوم، اینکه مرگ مستند به آن کار باشد (ماده ۴۹۲) و در نتیجه به او مستند باشد. سببیت و علیت، امری است و استناد، امری دیگر؛ مثلاً اگر کسی اتومبیل یا اسب دیگری را بدزد و صاحب آن پس از اطلاع از قضیه بر اثر ناراحتی ناشی از سرقت مالش، از غصه بمیرد یا اگر کسی جوانی را بکشد و مادرش پس از اطلاع، از غم فراق جوانش بمیرد، نمی‌توان سارق را قاتل به شمار آورد^۱ و قاتل جوان را قاتل مادر نیز دانست، گرچه بی‌شک ربایش اسب، اتومبیل و قتل فرزند، سبب مرگ دیگری شده است. آری! اگر کسی از علاقه مفرط صاحب حیوانی به حیوانش خبر داشته باشد یا به قصد قتل او، حیوان را بدزد و صاحب حیوان پس از اطلاع، بمیرد، مجرم علاوه بر سرقت، مرتکب قتل نیز شده است.

احراز سببیت آسان است، ولی احراز استناد در مواردی بسیار مشکل می‌باشد. اموری که استناد را ایجاد می‌کنند، متعددند. در آینده در درس چهارم و پس از مبحث نتیجه، درباره استناد و تفاوت آن با سببیت و علیت و اموری که باعث ایجاد استناد می‌شوند، بیشتر صحبت خواهیم کرد.

۱. برای دیدن نظر مخالف، ر.ک: سیدیوسف مدنی تبریزی؛ کتاب القضاء؛ ص ۴۱۵.

پرسش‌ها

- پرسش ۱. اگر شکارچی به سمت آهوئی بر روی تپه شلیک کند و آهو تیرخورده به پایین و بر روی شکارچی دیگری که در پایین تپه است، بیفتد، درحالی که شکارچی اول خبر از حضور این فرد نداشته باشد و باعث مرگ او شود، آنچه رخ یافته حادثه است یا قتل؟ نوع قتل چیست؟
- پرسش ۲. اگر کسی به سمت شیء یا حیوان یا انسانی تیراندازی کند و تیر به مقصود برخورد نماید، اما از آن فراتر رفته و به دیگری نیز اصابت کند، جنایت نسبت به فرد غیر مقصود، خطای محض به‌شمار می‌رود؟ اگر پاسخ منفی است، نوع آن چیست؟
- پرسش ۳. بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲ را با تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقایسه کنید. کدام قانون صحیح است؟ چرا؟ بند الف ماده ۲۹۲ را با ماده ۳۲۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقایسه کنید. نیز بند ب ماده ۲۹۲ را با تبصره ۱ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ مقایسه کنید. کدام تعبیر صحیح و دقیق است؟ چرا؟
- پرسش ۴. اصل در قتل، چه نوع قتلی است؟ اگر قتلی رخ دهد و نتوانیم نوع آن را از حیث عمد، شبه‌عمد و خطای محض مشخص کنیم، چه نوع قتلی است؟
- پرسش ۵. برخی کشورها قتل را به عمد (Murder) و غیرعمد (Manslaughter) تقسیم کرده‌اند و قتل غیرعمد را به دو قسم غیرعمد اختیاری (Voluntary Manslaughter) و غیرعمد غیراختیاری (Involuntary Manslaughter) تقسیم کرده‌اند؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های این تقسیم را با تقسیم سه‌گانه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان کنید.

۱. «تبصره ۲- در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد مجنی‌علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطای شبه‌عمد است...».

۲. مطابق ماده ۳۲۳: «هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود، جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود».

۳. تبصره ۱ ماده ۲۹۵: «جنایت‌های عمدی و شبه‌عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است».